



## خاستگاه تفکر آرمانی و آرمانشهرها در دو مهد عظیم تمدن شرق و غرب (ایران - یونان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۵

حسن محمدیان مصمم

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری mosanmam2@yahoo.com

سعید زرغامی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری s.zarghami91@gmail.com (مسئول مکاتبات)

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** آرمانشهرها به عنوان یکی از اصلی‌ترین اندیشه‌های آرمانی بشر، همواره در طول تاریخ، با تجسم نمودن جهانی که آرزومند آنیم، نقشی عظیم در تکامل و پیشرفت جوامع بشری داشته‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی ژرف خاستگاه‌های تفکر آرمانی و آرمانشهرها در دو مهد بزرگ تمدن شرق و غرب (ایران و یونان) پرداخته است.

**روش پژوهش:** پژوهش حاضر، یک پژوهش اسنادی با رویکرد تفسیری می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

**یافته‌ها:** یافته حاکی از آن است که اگرچه در ادبیات جهانی، خاستگاه اندیشه آرمانی و آرمانشهر را به یونانی‌ها نسبت می‌دهند و اسطوره‌های آن را زمینه‌ساز شکوفایی مکتب آرمان‌گرایی می‌دانند، اما مهد تفکر آرمانی جهان سومر است. بررسی خاستگاه اندیشه‌های آرمانی و آرمانشهرها نیز در تمدن ایران و یونان نشان می‌دهد که اسطوره‌های کهن و بنیان‌های یهودی-مسیحی در اروپا و بنیان‌های اسطوره‌ای و زرتشتی-اسلامی تفکرات آرمانی در ایران، همگی گنجینه‌ای از ادراکات و انتظارات را شکل داده و به تدریج عمیق‌ترین لایه‌های اندیشه آرمانی را در خود آگاه-ناخود آگاه مردم پروردند و در مراحل بعدی این ناهشیاری‌ها دوره به دوره و نسل به نسل، به شکل‌های متفاوت (از قبیل آرمانشهرهای مختلف) پدیدار گشته است.

**نتیجه گیری:** برخلاف باور رایج، خاستگاه اندیشه آرمانی سومر بوده و اسطوره‌های آن زمینه‌ساز شکوفایی مکتب آرمان‌گرایی در سده‌های بعدی است. پیش از هرگونه تحلیل تفکر آرمانی و آرمانشهرها، شناخت و مطالعه اسطوره‌های کهن و بنیان‌های یهودی-مسیحی در اروپا و بنیان‌های اسطوره‌ای و زرتشتی-اسلامی در ایران، ضرورت تام دارد.

**واژگان کلیدی:** اندیشه‌های آرمانی، آرمانشهر، سومر، ایران، یونان

## مقدمه

از سبیده‌دم سیر تفکر بشری، اندیشه آرمانی، به عنوان نیرومندترین انگیزه تکاپوی انسانی، همواره همزاد و همراه او بوده تا بر مصائب بشری در گستره گیتی فائق آمده و به جامعه‌ای کامل و سعادت‌مند که زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و تأمین همه نیازهای او بوده، نائل شود. عقل و خردمندی، عشق به کمال و کمال خواهی، اختیار و قدرت آفرینش‌گری در زمره مهم‌ترین موهبت‌هایی الهی‌اند که در هستمند بودن چنین تفکری رخ نمایانده و همواره در سراسر تاریخ، فرزاندانی حقیقت‌جو قدم بر سیاره خاکی نهاده و با گذار از حصار واقعیت، جهانی که آرزومند آنیم را تجسم نموده‌اند. در این بین، ایران زمین در گذر اعصار و قرون همواره تجلیگاه اختران پرفرغ علم و حکمت و ادب و اندیشمندانی بوده<sup>۱</sup> که بر بدیل‌هایی (آرمانشهرها) اندیشیده‌اند که متضمن عمیق‌ترین آرمان‌های ما برای یک دنیای عادلانه و انسانی بوده است، دنیایی که عاری از رنج-ها و سختی‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌ها، زشتی‌ها و پلیدی‌ها بوده و اجتماع را عرصه لذت‌های حقیقی می‌سازد. با وجود این، در ادبیات جهانی<sup>۲</sup> و حتی گاهی مواقع در کتب و منابع داخلی (بوژه جغرافیای شهری)، در زمینه تفکر آرمانی و آرمانشهرها از اندیشمندان ایرانی یاد نشده و دانسته یا نادانسته مانند بسیاری از نظریه‌ها و شالوده‌های فکری به غرب نسبت داده شده است. این در حالی است که «ایران» روزگاری شهر آرمانی یونانیان باستان بوده و زنون<sup>۳</sup> الگو قرار دادن شیوه زندگی جامعه ایران و حکمروایی کوروش کبیر را تنها راه نیل به سعادت می‌دانست. بر این اساس پژوهش حاضر ضمن اشاره‌ای مختصر بر مفهوم آرمانشهر و نخستین خاستگاه اندیشه آرمانی در جهان، به بررسی ژرف خاستگاه‌های تفکر آرمانی و آرمانشهرها در دو مهد بزرگ تمدن شرق و غرب (ایران و یونان) مبادرت ورزیده است تا شاید گامی کوچک در شناساندن فرهنگ و تمدن ایران زمین باشد. بدین منظور خاستگاه اندیشه‌های آرمانی ایران در دو بخش بنیان‌های اسطوره‌ای و سپس اسلامی-زردشتی و در یونان یهودی-مسیحی و هلنستیک دنبال شده است. علاوه بر این نمونه‌هایی از آرمانشهرها (هم در ایران و هم در یونان) آورده شده است.

## اهداف پژوهش

- بررسی و شناخت خاستگاه اصلی تمدن آرمانشهری  
- مقایسه خاستگاه تفکر آرمانی و آرمانشهری در دو مهد عظیم تمدن (ایران و یونان)

## روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش اسنادی با رویکرد تفسیری می‌باشد. در روش اسنادی پژوهش به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه‌های پنهان یک متن نیست. به همین دلیل، نمی‌توان توسعه تکنیکی روش اسنادی را چندان به سنت هرمنوتیک متصل کرد. در این روش پژوهشگر سعی می‌کند فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تاویلی یک متن را خارج نماید و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری بپذیرد و مورد استناد قرار دهد. بنابراین بستر معرفت‌شناختی و تکنیکی در روش اسنادی بیشتر به پارادایم تفسیری نزدیک است. در پارادایم تفسیری، واقعیت‌های اجتماعی ساخته دست انسان هستند. لذا توجه به معانی کنشگران اهمیت دارد. در روش اسنادی از تکنیک‌های پژوهشی همچون فراتحلیل‌های کیفی، تحلیل محتوا، تحلیل آمارهای مجدد، تحلیل ثانویه، کدگذاری و طبقه بندی استفاده می‌شود. در این پژوهش روش جمع‌آوری اطلاعات نیز بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

## مفهوم آرمانشهر

اندیشیدن بر بنیاد آرزو در امور انسانی همیشه خودنمایی کرده است. هرگاه تصور در واقعیت بیرونی موجود ارضاء نشود، به مکان‌ها و دوره‌هایی پناه می‌جوید که بر پایه آرزو بنا شده‌اند. اسطوره‌ها، افسانه پریان، وعده‌های آن جهانی ادیان و خیال‌پردازی‌ها، همواره تجلیات تغییر شکل یافته‌ای بوده‌اند از آنچه زندگانی واقعی فاقد آن بود. اما نکته مهم در مورد اندیشه آرمانی این است که هر حالت ذهنی که با موقعیت آنی مستقیم، ناسازگاری دارد و از حدود آن فراتر می‌رود (و در این معنا از واقعیت فاصله می‌گیرد) بعنوان وضع ذهنی اوتوپییایی تلقی نمی‌گردد. حالت ذهنی یا چگونگی اندیشه، هنگامی اوتوپییایی است که با چگونگی واقعیت که این حالت ذهنی در آن به ظهور می‌رسد ناهم‌ساز باشد و وقتی به عرصه عمل می‌آید، تمایل به درهم شکستن قیدهای نظام موجود در تاروپودش موج‌بزند (مانهایم، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ۱۹۹). شاید پناه بردن متفکران آرمانی به مکان‌ها و زمان‌های دوردست این باشد که نمایندگان نظام حاکم جبهه‌ای خصومت‌آمیز نسبت به راستاهای فکری‌ای که از حدود نظام‌های موجود فراتر می‌رفتند، به خود نمی‌گرفتند.

به هر حال، اوتوپیا «Utopia» (برگرفته از «ou-» «τὸπου» یونانی به معنای «no where») واژه‌ای است که برای نخستین بار توسط توماس مور بکار بسته شد. او و

پروراند، پویایی جزء لاینفک آن هاست و همواره سودای گذار و تحول وضع موجود (سرگشتگی های عظیم زمانه) را در سر می پروراند و جستاری به سوی آینده ای بهترند. آرمانشهرها در طول تاریخ نقشی عظیم در تکامل و پیشرفت جوامع بشری داشته‌اند به طوری که اناتول فرانس<sup>۱۰</sup> معتقد است که «بدون آرمانگراهای دوره های مختلف، ممکن بود بشر با فلاکت و عریان همچنان در غارها زندگی کند و آرمانگراها از اولین کسانی هستند که چگونگی و خط سیر شهرها را ترسیم نموده اند» (به نقل از برنزی، ۱۹۵۰).<sup>۱۱</sup>

### خاستگاه اولیه اندیشه آرمانی در جهان

با وجود آنکه در ادبیات، خاستگاه اندیشه آرمانی را به یونانی‌ها نسبت می‌دهند و اسطوره‌های آن را زمینه‌ساز شکوفایی مکتب آرمان‌گرایی<sup>۱۲</sup> می‌دانند، اما می‌توان سرچشمه‌های آن را در تمدن سومریان دنبال نمود. کشفیات جدید مجموعه کتاب‌های غنی در اِبل<sup>۱۳</sup> (در سوریه کنونی) ممکن است انقلابی در دانش ما از فرهنگ سومری باشد. پیدایش و تکوین مردمانی نیرومند غیر هند و اروپایی و غیر سامی<sup>۱۴</sup> که از آغاز هزاره چهارم تا انتهای هزاره سوم قبل از میلاد مسیح بر بابل‌های جنوبی چیره گشتند. خط میخی سومری‌ها به سراسر شرق نزدیک اشاعه یافت و در کنار آن یک اسطوره شناختی به زندگی معنوی اکادها، کنعانی‌ها، عبرانیان و یونانی‌ها<sup>۱۵</sup> رخنه نمود. در چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح، در شعر حماسی سومر خاطرات عصر بهشتی<sup>۱۶</sup> از میان رفته‌ای یادآوری می‌شود که قهرمان او اینمرکر<sup>۱۷</sup> در شهر اِرک<sup>۱۸</sup> حکومت می‌کرده است. در آن دوران جهان عاری از مخلوقات وحشی و مهلک (زهردار) بوده و استیلای بشر بدون چالش و رنج بود. در این خاطره انسجام مردمان، امنیت آن‌ها و اتحاد آن‌ها در پرستش مذهبی، به یاد آورده می‌شود (Manuel, and Manuel 1979: 34-35).

در این روزها در آنجا ماری نبود، گژدم و کفتاری وجود نداشت، شیری و سگ وحشی هم وجود نداشت، گرگی هم نبود.

آنجا ترس نبود، تررر و آدمکشی نبود

بشر بدون هم‌آورد بود

در این روزها سرزمین شرق (Shubur)، مکان وفور فرامین (حکم‌های) نیکوکاران بود،

سومر<sup>۱۹</sup> (به معنای جنوب) گرایش به گفتمان بسیار بود<sup>۲۰</sup>، سرزمین عظیم «فرامین شاهزادگی»<sup>۲۱</sup>

همکارش اراسموس<sup>۴</sup> مدتی پیش از انتشار کتاب «De Optima Reipublicae Statu deque Nova Insula Utopia Libellus Vere Aureus» در سال ۱۵۱۶، از واژه «Nusquama» استفاده می‌کردند. اما آن‌ها «ou» یونانی (برای شرح یک منفی کلی یا «نا» به کار برده می‌شد که به لاتین u ترجمه شده) را با «tapas» (به معنی مکان یا منطقه) ترکیب نموده و واژه اوتوپیا را ساختند. در فارسی این کلمه به معنای ناکجاآباد، مدینه فاضله و آرمانشهر و غیره به کار می‌رود. نکته شایان ذکر این است که اندیشه آفرینش یا تجسم جامعه‌ای کامل و سعادت‌مند پیشینه اش بسیار دورتر از قرن ۱۶، و حتی دوره افلاطون است.

آرمانشهر از نظر توماس مور شهری است که ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آن به گونه ای است که زمینه های سعادت هر چه بیشتر شهروندان خود را فراهم می‌نماید (مور، ۱۳۶۱: ۹) جزیره اوتوپیا بیش از آنکه غایتی عملی باشد، رویایی است تأمل برانگیز و به گفته ای پرورشگاهی است برای تخم های اندیشه و عقل که می باید برانگیزد و آزمون گرد (همان: ۲۲). پل ریکور آرمانشهر را به معنای فراقندن خیال به خارج از واقع و در جایی دیگر و زمانی دیگر، که یک نامکان است، می‌داند (ریکور، ۱۳۸۱: ۹۹). لیمن توور سارجنت<sup>۵</sup> اصطلاح «اوتوپیا»<sup>۶</sup> را از اصطلاحات ارزشی «یوتوپیا»<sup>۷</sup> و «دستوپیا»<sup>۸</sup> تفکیک نموده و آن‌ها را به شرح زیر تعریف می‌نماید:

اوتوپیا- جامعه‌ای ناموجود<sup>۹</sup> که با جزئیات قابل توجه توصیف شده و معمولاً در فضا و زمان واقع گردیده است.

یوتوپیا یا آرمانشهر مثبت - جامعه‌ای ناموجود که با جزئیات قابل توجه توصیف شده و معمولاً در زمان و فضایی واقع شده که مولف به دنبال آن است که تا به خواننده (منظور خواننده اثر) هم عصر نشان دهد که آنجا (یوتوپیا) به طور قابل توجهی از جامعه‌ای که خواننده در آن زندگی می‌کند، بهتر است.

دستوپیا- جامعه‌ای ناموجود که با جزئیات قابل توجه توصیف شده و معمولاً در زمان و مکانی واقع شده که مولف می‌خواهد به خواننده هم عصر نشان دهد به طور چشمگیری بدتر از جامعه‌ای است که خواننده در آن زندگی می‌کند (Sargent, 1994: 1-37).

به طور کلی می‌توان گفت که آرمانشهرها حالت ذهنی از شهری است که از حصار واقعیت قدم فراتر نهاده و متضمن عمیق‌ترین آرمان‌های ما برای شهری عادلانه و انسانی است و همواره نیل به سعادت را در ذهن خود می

یوری<sup>۲۲</sup> (به معنای شمال)، سرزمینی بود که همه چیزهایی لازم و ضروری را در اختیار داشت، سرزمین مارتو<sup>۲۳</sup> (یعنی شرق) در امنیت آرمیده بود مردم تمامی جهان متحد و هم صدا بودند برای انلیل<sup>۲۴</sup> همه به یک زبان ستایش می کردند (Kramer, 1961: 107)

علاوه بر این لوح، شعر سومری حکاکی شده در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، توسط اس.اچ لانگدون<sup>۲۵</sup> در سال ۱۹۱۵ منتشر شد که در مورد خلوص و صلح سرزمین اسطوره‌ای دیلمون<sup>۲۶</sup> سخن می‌گوید: آبی که بوسیلۀ انکی<sup>۲۷</sup> فراهم گردیده و سلامت و عمری جاودانه را برای ساکنان آن به ارمغان آورده است:

«در دیلمون کلاغ می‌گوید ناله ای نیست، پرنده ایتیدو<sup>۲۸</sup> می‌گوید ناله پرنده-ایتیدو وجود ندارد، شیر کسی را نمی‌کشد، گرگ به گله نمی‌زند، سگ وحشی که کودک را می‌درد ناشناخته است... کسی که مشکل بینایی<sup>۲۹</sup> دارد نمی‌گوید که من مشکلی دارم، فردی که سرش درد می‌کند نمی‌گوید که مشکلی دارم، زن پیر آن جا نمی‌گوید که من پیرزنم، مرد پیر آنجا نمی‌گوید من پیرمردم» (James, 1955: 9589)

افسانه آکادی گیلگامش<sup>۳۰</sup> که نسخه‌هایی از آن باقی است. بعد از غلبه بر مردم-عقرب گونه<sup>۳۱</sup>، گیلگامش خودش وارد باغ زیبایی می‌شود که درختان، بوته‌ها و ساقه‌ها همگی از سنگ‌های گرانبها هستند و سیدوری<sup>۳۲</sup> در آنجا ساکن بود. این توصیفات و بویژه کانی‌ها و سنگ‌های نادر (طلا، مروارید و اونیکس) در کتاب پیدایش دوباره پدیدار می‌شود و حتی بسیار متداول در «عدن باغ خدا»<sup>۳۳</sup> و در قیامت و بهشت‌های میدارشی<sup>۳۴</sup> (James, 1955: 9589). به هر ترتیب نمونه‌های آورده شده برهانی است بر رد ادعاهای بسیاری که خاستگاه نخستین تفکر آرمائی و آرمانشهر را در یونان جستجو می‌کنند و به احتمال زیاد بایستی از تمدن سومر به عنوان خاستگاه کهن‌ترین اندیشه‌های آرمائی و آرمانشهر جهان، یاد کرد.

### خاستگاه اندیشه‌های آرمائی و آرمانشهری در یونان

در تکاپو برای یافتن خاستگاه‌های تفکر آرمائی در یونان آن را در دو بخش مجزا یعنی بنیادهای یهودی - مسیحی و هلنی<sup>۳۵</sup> دنبال می‌نمائیم.

#### ۱- بنیادهای یهودی و مسیحی

تاریخ طبیعی پردایس‌های<sup>۳۶</sup> (بهشت‌های) دین‌های یهود و مسیح برانگیزانده برخی از موضوعات عقلائی و احساسی انباشته شده در نهان‌ترین زوایای وجود جامعه

اروپایی بوده و مخزنی همواره نمو کننده در این فرهنگ را شکل داده است. بهشت در فرم‌های یهودی و مسیحی از عمیق‌ترین لایه‌های آرمائی در ناخودآگاه بخش عمده جمعیت اروپایی است و نسل به نسل به شکل‌های متفاوت پدیدار گشته و بخشی از وجودشان گشته است. اگرچه تصور بر این بوده که آرمانشهرهای اروپایی و یونان زاده جهان رنسانس و اصلاحات هستند اما پنداره‌های دو پردیس (باغ عدن و زندگی پس از مرگ<sup>۳۷</sup>)، مبارزه نهایی میان خوبی و بدی در روز قیامت<sup>۳۸</sup> و دوران حکومت هزار ساله مسیح بر جهان<sup>۳۹</sup> همگی گنجینه‌های از ادراکات، انتظارات و پنداره‌های ذهنی در میان اروپاییان را شکل می‌داده که بعدها اندیشمندان با وام گرفتن از آن‌ها به ترسیم آرمانشهر خود پرداخته‌اند، اگرچه در برخی مواقع آن‌ها از این وام‌گیری خود آگاه نبوده‌اند. کوتاه سخن، بنیادهای یهودی-مسیحی جامعه اروپایی یکی از نخستین انگیزاننده‌های تفکر آرمائی و آرمانشهرگرایی بوده است.

#### ۲- بنیادهای هلنی

آرمان شهرهای هلنیستیک را می‌توان در سه طبقه مورد بررسی قرار داد: عصر طلایی، سرزمین‌های دور دست و دولت‌های ایده آل<sup>۴۰</sup>.

#### الف) عصر طلایی

عصر طلایی دوره‌ای ایده‌آل در گذشته با بازگو می‌کند که در تباین با وضع موجود است و اغلب در سپیده دم تاریخ یا در خاستگاه‌های اسطوره‌ای بشر (در تمدن یونان) واقع شده است. در اینجا به دو نمونه هسیود<sup>۴۱</sup> و کمدی قدیم<sup>۴۲</sup> اشاره می‌کنیم.

#### عصر طلایی هسیود<sup>۴۳</sup>

شاعر یونانی هسیود در حماسه خود با عنوان «کارها و روزها»<sup>۴۴</sup> «سودای این دارد که «خداوند ابزارهای زندگی را از انسان پنهان نموده است»<sup>۴۵</sup>. سپس او نقل می‌کند که چگونه این وضعیت مصیبت بار کنونی بشر اتفاق افتاده است: زیوس<sup>۴۶</sup> (خدای خدایان) بشر را به دلیل دزدیدن آتش برای خود توسط پرومیتئوس<sup>۴۷</sup> تنبیه کرده است. در واکنش به این عمل زشت، بشر به رنج‌ها و مصیبت‌های بسیار گرفتار شد و تنها امید در وجود آنها باقی مانده است. پیش از این سختی‌ها و بلاها، هسیوتود نقل می‌کند که «قبایلی از انسان‌ها بر روی زمین زندگی می‌کردند دور و آزاد از بیماری و مشقت» (Op: 42-105). هسیوتود تاریخ بشر را در پنج نسل یا نژاد متوالی تقسیم می‌کند: طلا، نقره، برنز، نیمه-خدایان<sup>۴۸</sup> و آهن. در «عصر طلا» بشریت «همانند خدایان زندگی می‌کرده»، در این دوره بشر در

تئوپومپوس، هکاتئوس آبدرا و هلیودروس<sup>۵۳</sup> اشاره نمود. در در اینجا اشاره‌ای مختصر به چند نمونه از آن‌ها می‌کنیم.

**کوروش کبیر: پادشاه ایده آل در کیروپیدا زنون<sup>۵۴</sup>**  
در داستان طولانی خود زنون (۴۳۰-۳۵۴ قبل از میلاد) از جامعه‌ایده آل کوروش کبیر<sup>۵۵</sup> سخن به میان می‌آورد. او در تفکر آرمانی او نیل به جامعه و سرزمینی است که در آن مردم به شیوه جامعه ایرانی زندگی کنند و جامعه‌ای که تحت حکمروایی سیاسی چنین افراد بزرگی برای دستیابی به زندگی مطلوب است. زنون بدینسان نمونه‌ای از آرمانشهر ساخته شده توسط فردی (کوروش کبیر) را ترسیم می‌کند که بهترین الگو و سرمشق برای جامعه‌ای آرمانی است (Mitchell, 2002, Reichel, 1995: 1-20, Drews, 1973, Due, 1989).

#### بهشت در اودیسه هومر

اندیشه آرمانی دیگر در اوتوپیاها اسطوره‌ای، بهشت<sup>۵۶</sup> در اودیسه هومر است که گفته می‌شود بر جای مانده از آئین مینوان<sup>۵۷</sup> است. دشت بهشت<sup>۵۸</sup> در انتهای جهان واقع شده و رادمانتوس موبور<sup>۵۹</sup> حاکم آن است، زندگی بشر در آنجا راحت‌تر و بی‌دغدغه‌تر از هر جای جهان است، در آنجا برف و باران و تگرگی نمی‌بارد، بلکه تنها نسیمی طراوت بخشی از جانب غرب می‌وزد (Homer, 1897: 74, Originally in seventh century B.C).

#### جزیره آفتاب در آئمبلوس<sup>۶۰</sup>

آئمبلوس (بازرگان و احتمالاً نویسنده داستان یونان باستان) در رابطه با یک سری از آدم ربایی‌های سخن می‌راند که نهایتاً نتیجه‌اش برای او و یارش این است که آن‌ها به مدت چهار ماه در دریا سرگردان می‌شود تا به جزیره‌ای می‌رسد و آنجا جامعه آرمانی اوست. آداب و رسوم و ماهیت فیزیکی ساکنان بشدت متفاوت از جهان شناخته شده اوست و اقلیم بسیار متعادل‌تر است زمین‌ها حاصلخیزترند و زندگی طولانی‌تر است بدشکل‌ها و معلولان اخراج شده‌اند، بدون ازدواج فرزندان مشترک دارند، برای هارمونی درونی تلاش می‌کنند، حیوانات افسانه‌ای هستند، وظایف در میان تمامی جمعیت (به جز افراد پیر) به صورت چرخشی است و جانشین رهبری بدون تعارض از پیرترین مرد که در ۱۵۰ سالگی می‌میرد و سپس پیر بعدی و به همین ترتیب انتخاب می‌شود.<sup>۶۱</sup> در نهایت با اخراج

سعادت و خوشبختی و بدون غم و اندوده یا زحمت بیهوده یا رنج‌های کهنسالی می‌زیسته است؛ هرچند عمر بشر فانی بود اما مرگ آن‌ها در صلح و آرامش بود همانند زندگی آن‌ها. عصر طلایی آن‌ها دنبال شد با عصر نقره که در آن نادانی منجر به غم گردید. سوم عصر برنز بی‌رحمانه فرا رسید و گذشت. چهارم نیمه خدایان که شرافتمندتر و صالح‌تر از عصر برنز بود، جایی که بوسيله زيوس خلق شد. در حالی که بسیاری در جنگ مردند ولی آنهایی که زنده ماندند به آخر جهان<sup>۶۲</sup> و به «جزایر مقدس»<sup>۶۳</sup> برده شدند، تا بدون حزن و اندوه زندگی کنند. بدترین عصر هم عصر آهن بود که انسان هرگز از کار و غم روز تا شب خلاصی نمی‌یافت.

#### کمدی قدیم<sup>۵۱</sup>

تقریباً در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، کمدی قدیم گونه‌ای تقریباً متفاوت از آرمانشهرها را منعکس نمود (خیال پردازی‌های احساسی مردم عادی شهر آتن، خواسته‌های آنها برای کامروایی چشمگیر و همچنین امیدهای آنها برای اجتماع، عدالت و صلح پایدار). اگرچه شاعران فکاهی غیرعملی بودن این رویاها را تمسخر می‌کردند اما این‌ها تجسم‌های هوشمندانة برای اشاره بر دنیایی بهتر بودند تا به مردم بگویند که می‌توان از این بهتر بود و شاید هم طنزهای تلخی بود که برای ابراز نوعی احساس همدردی با مردم بود. آریستوفانس<sup>۵۲</sup> روح فعال این آرمانشهر آتنی بود.

#### ب) سرزمین‌های دور دست

سرزمین‌های دور دست در بردارنده سرزمین‌های قرار گرفته در فاصله بسیار زیاد از جهان هلنیستیک است، که بوسيله بازديدکنندگان از این سرزمین‌ها نقل شده و آن‌ها کسانی هستند که بازگشته‌اند و عجایب و مزیت‌های زندگی در این جوامع که بوسيله مجموعه‌ای متفاوت از اصول و ارزش‌ها و ساختارهای سیاسی بنا شده را بازگو می‌نمایند. مولفان مختلف سرزمین‌های خارق‌العاده در یادداشت‌های پاره پاره خود، خبر از سرزمین‌هایی می‌دهند که ساکنانی با عمر طولانی و اغلب ممتاز و نیرومند دارند، ثروت و گیاهان به وفور در آن‌ها به چشم می‌خورد، روابط درونی و بیرونی صلح آمیزی دارند، از ساختارهای اجتماعی منحصر به فردی برخوردارند و گاهی اوقات اقدامات اجتماعی و گروهی و برابرنگر انجام می‌دهند. در این مورد می‌توان به سرزمین‌های دوردست در هومر، هرودوت،

ائمبلوس و مونس او از جزیره بعد از هفت سال داستان پایان می‌پذیرد (Winston, 1976: 233).

### سفر رویایی لوسین<sup>۶۲</sup>

اواسط قرن دوم بعد از میلاد لوسین داستانی<sup>۶۳</sup> به تقلید از انبوهی از اسناد پیشین و هم عصر خود نوشت. اما او به جای مستقر شدن در یک جامعه آرمانی در انتهای جهان<sup>۶۴</sup> به ماه سفر کرد، جایی که او با فرهنگ «دستوپایی»<sup>۶۵</sup> خشن و جنگ بین مخلوقات هایبریدی اسطوره‌ای مواجه شد. او همراهانش به دنبال ترک آنجا بودند اما اجازه این کار را فقط بعد از گذشت ۷ روز داشتند. در طی این دوره انتظار، او مشاهده کرد که زنی در آنجا وجود ندارد اما مردها از پاهای خود بچه دار می‌شوند. به طور کلی تمامی توصیفات او مجموعه‌ای از شیوه‌ها و شرایط زندگی غیرعادی همراه بود.

### ج- دولت‌های ایده‌آل

دولت‌های ایده‌آل در بردارنده‌ی توصیفات جوامعی است که با اصول، قوانین یا تعاملات انسانی بهتر نسبت به شرایط موجود پایه‌گذاری شده‌اند. در اینجا به دو نمونه از آن‌ها اشاره‌ای مختصر می‌کنیم.

### آرمان شهر افلاطون<sup>۶۶</sup>

جمهوری افلاطون یکی گرانسنگ‌ترین آثار در زمینه فلسفه سیاسی بوده که در آن سیستم ایده‌آل حکومت را تجسم می‌نماید. اهمیت و عظمت کار او به حدی است که والش نقل می‌کند که ادبیات آرمانی بعد از وجود ندارد که پانوشتهایی در مورد جمهوری افلاطون نداشته باشد (Walsh, 1962: 40). او نخستین اندیشمندی بود که تفکر آرمانی و آرمانشهر خود را بر اساس برهان عقلی استوار ساخت. در جامعه آرمانی او زمام حکومت بدست فیلسوفان فرزانه‌ای بود که با دانش و خردمندی امور مردم را سامان می‌دهند (افلاطون، جمهوری: ۹۹۴). افلاطون برخی از جنبه‌های جامعه هم عصر را تأیید می‌نماید در حالی که حمله اصلی او انتقاد از ساختارها و آداب و رسوم آن است. افلاطون معتقد است که مدینه باید تجسم و تجسد عدالت باشد، تا اینکه سازنده‌ی شهروندان عادل باشد. او در کتاب دوم جمهوری می‌نویسد: «مدینه یا کشور، سرزمینی است که افراد انسان بر حسب ضرورت، در آن زندگی می‌کنند تا به رفع نیازهای حیاتی خود بپردازند». مدینه متشکل از اجتماع افرادی است که استعداد و کارایی

آن‌ها نابرابر است. بر این اساس سه طبقه «پیشه‌وران» (از نژاد آهن)، سپاهیان (از نژاد نقره)، حکمرانان (از نژاد طلا) مشخص می‌کند که نمایانگر سه کارکرد اساسی هر شهر، یعنی تولید، دفاع و حکومت می‌باشد. از دیگر سو هر یک از این سه طبقه، همگون با سه بخش از قوای نفسانی هستند. طبقه پیشه‌وران مطابق با «قوة شهوی»، طبقه سپاهیان مطابق با «قوة غضبی»، و طبقه حکمرانان مطابق با «قوة عقل و اندیشه» است، که فضیلت آن‌ها به ترتیب در «میان‌روی»، شجاعت و عدالت می‌باشد. افلاطون نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن را به عنوان نیازهای اساسی انسان در تشکیل زندگی اجتماعی‌اش مطرح می‌کند و به تشریح آن‌ها می‌پردازد (افلاطون، قوانین: ۸۶۸). موسیقی و ورزش و تربیت بدنی اشتراک در زن و فرزند و دارایی در آرمانشهر افلاطون در تربیت پاسداران و حاکمان جایگاهی ویژه دارد (افلاطون، جمهوری، بند ۴۱۱).

### آرمانشهر ارسطو

در مدینه فاضله ارسطو قانون-محوری حاکم بوده و دادرسان و حاکمان، خادمان قوانین هستند. او معتقد است که قانون باید معتدل و منطبق بر اوضاع و احوال و مقتضیات جامعه باشد. به بیانی دیگر بهترین ویژگی‌های حکومت از دیدگاه او حاکمیت و تفوق قانون بر شهر است (ارسطو، سیاست، ص ۱۶۵) از نظر او افضل‌ترین حکومت آن است که زمینه‌های سعادت جامعه را فراهم نماید. برابری و عدالت از ویژگی‌های مهم آرمانشهر ارسطو است. ارسطو معتقد بود که هیچ حکومتی پایدار نمی‌ماند مگر آنکه حاکم آن دادگر باشد (ارسطو سیاست ص ۱۸۶) او صاحبان فضیلت را در خور حکومت می‌داند، اما به نظر وی این فضیلت در انحصار فیلسوفان نیست. زیرا این فضیلت برای همه شهروندان امکان دارد و به همین جهت همه شهروندان نیز باید هم شیوه فرمان برداری و هم رموز فرماندهی را بیاموزد (ارسطو سیاست، ص ۱۱۳). در آرمانشهر ارسطویی شهروند در کانون آرمانشهر ارسطویی قرار گرفته است که به معنای حق شرکت در تصمیمات اثر گذار بر زندگی خویش و تعیین صلاحیت اعمال حاکمیت دولت است (گمپرس، ۱۳۷۵: ۱۶۴۰).

### خاستگاه اندیشه‌های آرمانی و آرمانشهر در ایران

در تلاش برای انکشاف خاستگاه اندیشه‌های آرمانی ایران، ریشه‌های چنین تفکراتی را در بنیان‌های دینی اسلامی-زردشتی و اسطوره‌های جستجو نموده و سپس به چند نمونه از آرمانشهرهای ایرانی اشاره می‌گردد.

## ۱- بنیان‌های زرتشتی - اسلامی

الف- زرتشت (فاصله بین ۱۸۰۰-۸۰۰ قبل از میلاد<sup>۶۷</sup>)

دین زرتشتی نخستین دینی بود که در جهان از «حیات عقبی» و مسئله قیامت سخن به میان آورد (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۱۴۰). با نگاهی کوتاه و اجمالی به اوستا می‌توان گفت که اعتقاد به حیات پس از مرگ و بقای روح انسان در جای جای بندهای آن به وضوح دیده می‌شود و معتقدان به این شریعت به روز جزا و اجرای عدالت ایمان راسخ داشته و باور دارند که ارواح انسان‌های بدکار به جهنم می‌روند و ارواح انسان‌های صالح به بهشت رفته و جاودانه خواهند بود؛ ای مزدا هوره!

ترا پاک شناختم؛ آنگاه که در سرآغاز آفرینش زندگی دیدمت (و دریافتم) که چگونه تا پایان گردش آفرینش، کردارها و گفتارها را با هنر خویش، مزد بر نهاده‌ای: پاداش نیک برای نیکان و سزای بد برای بدان. (اوستا، ص ۴۰).

در آئین زرتشت با از بین رفتن اهریمن و ابزارهایش در نبرد نهایی، جهان خلقت اهورایی و آنگاه عمل فرشگرد آغاز می‌گردد، به این معنا که عالم فراغ و همه جا بهشت می‌شود. از آن روز به بعد، مردمان به دور از پیری، درد و بیماری و مرگ در این سرزمین فرشگردی، جاودانه خواهند زیست (باقری، ۱۳۷: ۵۴-۵۷).

علاوه بر این عقاید در آئین زرتشت می‌توان به نخستین آرمانشهر («ور» جمکرد) و «دیستوپای» ایران زمین اشاره نمود. جمشید زیبا روی (جَم هور چهر) نخستین کسی بود که پیش از زرتشت، اهوره مزدا با او همپسگی کرد و دین اهوره و زرتشت را بدو فراز نمود (اوستا، جلد دوم، ص ۶۶۵). با پادشاهی جم سیصد زمستان بسرامد و این زمین پر شد از رمه‌ها و ستوران و مردمان و سگان و پرندگان و آتشان سرخ سوزان. در زمان سلطنت او دیوان در ذلت و خواری و ناتوانی بودند، و مردم از تمامی نعمت‌های خدا بهره‌مند بودند، در زمان او پیری و ناتوانی برای مردم نبود، آب‌ها همه جاری بودند و باران نمی‌بارید، زمین‌ها حاصلخیز و باغستان‌ها بارور و پرثمر بودند؛ هر کسی هر آرزویی در دل می‌پروراند برآورده می‌شد، و بیم رنج و بیماری در دل‌های مردم جایی نداشت. از اینها فراتر او چیستا (حکمت) را برای مردمان آورد که سبب رستگاری مردمان بود. او همچنین هوس و خشم خونین نیزه و حرص و ترس و نفاق و آز را که مسبب درد و رنج مردمند از جهان برافکند.<sup>۶۸</sup> بعد از آن مردم فاسد شدند و برف و سرمای شدیدی آمد و جمشید غاری (ور) به شکل مربع بساخت و از حیوانات و سبزیها و خوراکیها و زنان و

مردان خوب در آن جای داد. نیکوترین تخم‌های نرینگان و مادینگان و نیکوترین و برترین تخمه‌های چهار پایان و تخم همه رستنیهای و خوردنی‌ها را بدان جا برد. و بدانجا گوژپشت و خُل و تباه دندان و دیگر داغ خوردگان اهریمن راه نیافتند. «ور» جمکرد که در آن روشنی‌های خود آفریده و هستی آفریده پرتو می‌افکنند و مردمانش روز را چون سالی می‌پندارند و این مردمان در آن خانه‌های «ور» جمکرد، نیک زیستن‌ترین مردمانند.

در اوستا نخستین جایی که زمین (منظور بشر) در آن جا بیشتر از همه شادکام باشد جایی است که پیروان «آشَه»<sup>۶۹</sup> بر آن گام پیش نهند؛ هیزم پاک در دست، هاون در دست، شیر پیشکشی در دست، درست باوری در کار آیین‌گذاری، چراگاه‌های خوب، گاوان بخوبی پرورده شوند، پیروان «آشَه» فزونی گیرد، خوراک ستوران فراوان باشد، سگ خوب پرورش یابد، کدبانو کامیاب شود، جایی که پیرو آشه بیشتر گندم و گیاه بکارد و زمین‌های خشک آبیاری شود و زمین‌های تر زهکشی، جایی که رمه‌ها و ستوران فراوان و کود زیاد بر جای نهند، نه سرما باشد و نه باد گرم و نه مرگ، اسباب زندگی به وفور بوده، و زن و فرزند بسیار باشد.

بدترین جای جهان در اوستا (دیستوپیا)، که زمین (منظور مردمان) در آنجا به تلخ‌ترین اندوه دچار شود، گردنۀ «آرزور» است که بر فراز آن گروه‌های دیوان می‌تازند، مردارهای بسیار از سگان و مردمان به خاک می‌سیارند، لانه‌های آفریدگان اهریمن فراوان است، زن و فرزندی به دلیل اینکه مرد پیرو آشه را به بندگی برده باشند شیون بر می‌آورند.

## ب) دین مبین اسلام

دین مبین اسلام برترین و کاملترین دین جهان است که در آن پس از ایمان به خدا، حقیقی‌ترین نکته‌ای که انسان بر آن اعتقادی راسخ دارد ایمان به معاد است. بر باور مسلمانان نظام هستی طوری آفریده شده است که مخلوقات به طور عام و انسان به طور خاص، همچنان که از خدا خلق شده، باز به سوی او برمی‌گردد. همچنان که قرآن می‌فرماید: «کَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»<sup>۷۰</sup> همان‌طور که در اول بودید، باز به همان عالم و مقام برمی‌گردید.

قرآن می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»<sup>۷۱</sup>

همه شما به سوی خدا برمی‌گردید که این وعده‌ای است حق، خداوند خلق را به وجود آورد و سپس به سوی

دارد، یاقوت و سیم زر و نیازهای دیگر زیادند و مردم از نیکی‌ها بهره مندند از اهریمن و بدی بدورند و بیش از صد و پنجاه سال می‌زیند و به پرستش اهورا مزدا مشغولند (روایت پهلوی، ۱۳۷۶: ۶۴-۶۴).

### نمونه‌هایی از آرمانشهرهای ایرانی

پیشینه تمدنی غنی ایران زمین به همراه شالوده‌های دینی و اسطوره‌های کهن، گنجینه‌ای فزاینده از ادراکات و انتظارات و آمل‌ها در ناخودآگاه فرزندان ایرانی نهاده که در هر دوره به شکل‌های گوناگون به صورت آرمانشهرهایی تجسم گشته است. در این اشاره‌ای کوتاه بر آن‌ها داریم.

#### ۱- مدینه فاضله فارابی

فارابی مدینه فاضله را این گونه تعریف می‌کند: «مدینه‌ای که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، معاونت بر اموری است که موجب وصول و حصول سعادت آدمی می‌گردد. مدینه فاضله است و اجتماعی که از طرف این برای رسیدن به سعادت با یکدیگر تعاون می‌کنند فاضله است» (فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله: ۲۰۰۲: ۱۲۶). یکی از ویژگی‌های مدینه فاضله فارابی همکاری با یکدیگر برای بقاء جامعه مدنی و کمال انسان‌هاست، فارابی می‌گوید: «جماعت کثیر از مردم که با یکدیگر هم کاری دارد گرد هم آمده و هرکس بعضی از نیازهای دیگری را برای قوام خود که به آن‌ها احتیاج دارد بر آورده می‌کند» (فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله: ۲۲۰) بدین ترتیب تعاون و سعادت دو عنصر اصلی مدینه فاضله هستند. رکن اصلی و اساسی مدینه فارابی رئیس و رهبر مدینه است. در نظر فارابی، نسبت رئیس اول به مدینه مانند نسبت سبب اول است به عالم. نخست باید او استقرار یابد تا هم مدینه و اجرای آن شکل گیرد و هم ملکات ارادی اجزا و افراد آن و ترتب مراتب آنها تحقق یابد. فارابی هر کسی را به ریاست مدینه فاضله خویش بر نمی‌گزیند. به مفهوم دیگر هرکسی شایستگی آن را ندارد که به مقام ریاست مدینه فاضله او تکیه بزند. فارابی معتقد است که علاوه بر فضائل نظری، فکری، خلقی و عملی، رئیس مدینه فاضله باید ۱۲ خصلت داشته باشد که عبارتند از:

تام العضا باشد، وظیفه خود را به طور عملی انجام دهد، خوش فکر باشد، حافظه قوی داشته باشد، باهوش باشد، خوش بیان باشد، دوستدار علم باشد، اهل راستی باشد، به درهم و دینار توجه نکند، دوستدار عدالت باشد، قوی العزم باشد، دارای نفس بزرگ و دوستدار کرامت باشد، (فارابی، ۱۳۷۹، آراء اهل مدینه فاضله: ۲۲۲).

او برمی‌گردند، تا آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند را بر اساس عدالت جزا دهد و برای کافران به جهت کفری که ورزیدند آبی سوزان و عذابی دردناک است.

«يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»<sup>۷۲</sup>

در آن روز مردم به حالت پراکنده از قبرها بیرون می‌آیند تا اعمالشان را به آن‌ها بنمایانند، پس هر کس به سنگینی ذره‌ای نیکی کرده باشد، آن را می‌بیند، و هرکس به سنگینی ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می‌بیند. انسان مؤمن پس از عبور از صراط و طی آن و تحمل سختی‌ها و قطع تعلقات، وارد بهشت می‌شود که آن از آثار لقای خداوند با اسماء رحمت و رضوان اوست و خداوند در مورد آن فرمود:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۷۳</sup>

خداوند به زنان و مردان مؤمن بهشت‌هایی را وعده داده که از زیر آن نهرها جاری است، در آن جاودانه خواهند بود و مسکن‌های طیب در بهشت‌های قابل ماندن و رضوان الهی بزرگ‌تر است، این است آن رستگاری عظیم.

بهشت این آرمانشهر آرمانشهرها، جایی است همه‌ما آرزومند آنیم. قرآن کریم در مقام ترسیم چهره و ویژگی‌های بهشت و بهشتیان آیات فراوانی را اختصاص داده است.

#### ۲- بنیان‌های اسطوره

«گنگ دژ» در شاهنامه فردوسی نمونه‌ای از آرمانشهرهای اسطوره‌ای ایران زمین است که بنیانگذار آن سیاوش است.

که چون گنگ دژ در جهان جای نیست  
بدان سان زمین دلارای نیست  
که آن را سیاوش برآورده بود  
بسی اندرو رنج‌ها برده بود  
(فردوسی (۱۶۲۳-۱۶۲۹ / ۳/۱۰۶))

این آرمانشهر اسطوره‌ای جایی است که در آن رودهای فراوانی جاراند، آهوها در دشتند و پرندگان زیبایی پرواز می‌کنند، هوای آن همیشه بهاری است (ژول مل، ۴۹۶ ب ۱۷۴۶). گنگ دژ هفت حصار پی در پی دارد که به ترتیب از سنگ و پولاد و آبگینه و سیم و زر و گوهر و یاقوت ساخته شده است. در آن چهار کوه و هفت روده پرآب قابل کشتی رانی است. هفت مرغ پاسدار شهرند، شهر پانزده در



**دادشهر (مدینه عادلّه) ابن سینا**

در مدینه عادلّه ابن سینا جامعه طبقاتی متشکل از دوطبقه فرادست و فرودست به نام های «ملوک» و «سوقه» است. در آرمانشهر او خانواده، مدرسه، و نظام آموزشی نقش چشمگیری در تربیت کودکان دارند؛ زیرا سرنوشت سیاسی جامعه و نیک بختی آن در پیوند با آن- هاست (اذکایی، ۱۳۶۴: ۱۷۵/۲۳). در آرمان شهر ابن سینا مردم بر سه قسم تقسیم شده‌اند، مدبران، سلحشوران و صنعتگران. عدالت از ویژگی های بنیادین دادشهر بوعلی سینا است. در آرمانشهر او احکام و مبادین اسلامی جاری هستند.

**شهرزیبایی نظامی گنجوی**

همانطور که بیان گردید در دوره‌های بعد ادراکات و پنداره‌های آرمانشهرهای نخستین به نسل‌های بعدی منتقل شد؛ از بارزترین آنها بازتاب آرمانشهر «ور» جمکرد در اندیشه‌های آرمانی نظامی است که به وضوح قابل درک است. اسکندر در واپس سفر خود به گرد جهان به شهری می‌رسد که در آن کشتزارهای گسترده و باغ و بوستان سبزو خرم در میان گرفته است و در دشت، رمه‌ها و گله‌ها یله‌اند. مردم رفتار و کرداری نیک دارند، از گناه و مکر و دغل و دروغ می‌پرهیزند، غیبت نمی‌کنند، بر گریه کسی نمی‌خندند، و در سختی‌ها غمخوار یکدیگرند. نظام اقتصادی آن‌ها اشتراکی است و هر کس به قدر نیازش از منابع استفاده می‌کند. مردم بیمار نمی‌شوند و عمر بسیار دارند. در شهر دکان‌هایی آراسته است که قفل و بندی در آن‌ها نیست. خدای تعالی بر این شهر نظر دارد و عنایت اوست که چنین فرخندگی را سبب شده است. خردان ما را بزرگ کرده و حیوانات نیز از گزند دریده شدن در امانند، و در کشت «یکی دانه را هفتصد می‌رسد» چون بیمی از دزدان نیست، در شهر نگهبان و شحنه‌ای هم وجود ندارد. شهر در نهایت خرمی و صفاست. دد و دام نیز همچون شهروندان، زندگی مسالمت آمیز دارند. صید اطراف شهر هنگام نیاز مردم به شهر می‌آیند تا مردمان آنان را شکار کنند. ویژگی های شهروندان: مردمان شهر همه آینده‌نگر و عبرت پذیرند. میزبانانی میهمان نوازند. راستکردارانی دین پرورند و به هیچ روی سر کجروی ندارند. از دروغ و پرسش‌های بیجا پرهیز می‌کنند. در یاری به یکدیگر کوشا و در سختی‌ها، صبر پیشه‌اند. دارایی همه به یک اندازه است. همه در ردیف یکدیگرند و غم خوار هم. نه سخن چین و نه عیب جویند. راهنمای راه خیرند و فتنه‌گری و

خونریزی نمی‌کنند. از هم چیزی دریغ ندارند و کوچک-ترین دست اندازی به هم نمی‌نمایند. در خوردن و آشامیدن جانب اعتدال را رعایت می‌کنند. عمر تمامی مردم طولانی است. در کار یکدیگر تجسس نمی‌کنند و اعتراضی به کار دیگران ندارند. از همه مهمتر، تنها کسانی توانایی ماندن در شهر را دارند که پاک و پرهیزگار باشند و اگر کسی از شیوه نیکوی گروه دور شود، زود باشد که از شهر بیرون رانده شود (نظامی گنجوی، اسکند نامه، ۳- ۲۴۲).<sup>۷۴</sup>

**آرمانشهر خواجه نصیرالدین طوسی**

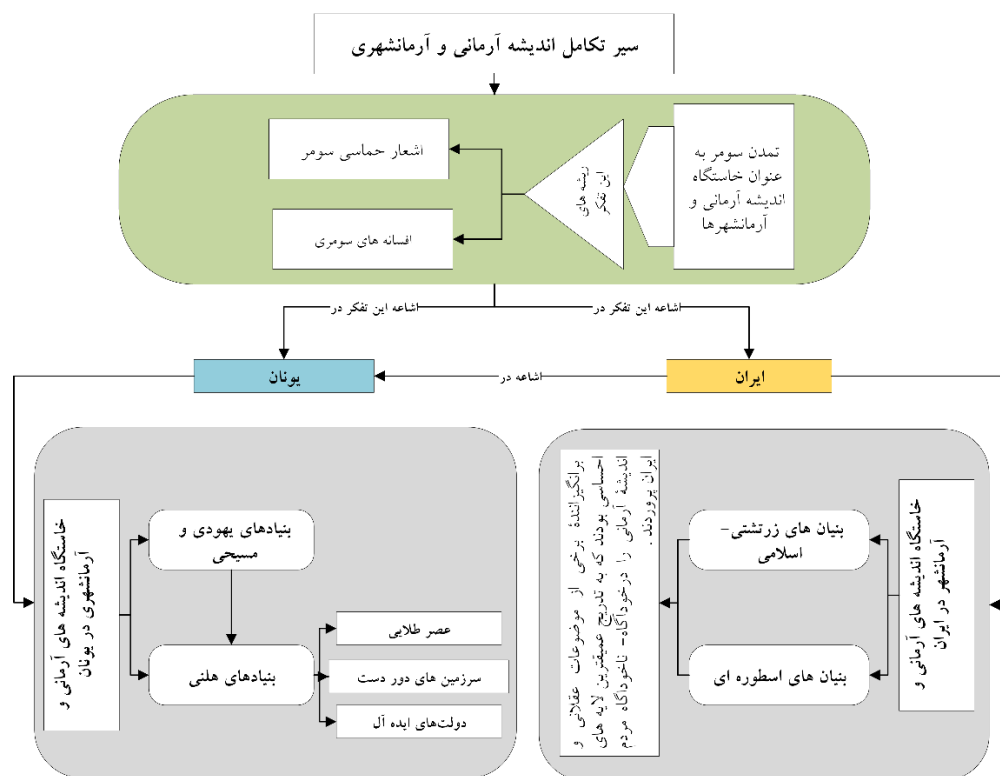
خواجه نصیرالدین طوسی آرمانشهر را بدین گونه بیان می‌دارد: «مدینه فاضله اجتماع قومی بود که همت‌های ایشان بر اقتنادهی خیرات و ازاله شرور مقدر بود و هر آینه میان ایشان اشتراک بود در دو چیز، یکی آراء و دوم افعال. اما اتفاق آرای ایشان چنان بود که معتقد ایشان در مبدأ و معاد خلق و افعالی که میدان مبدأ و معاد اتفاق افتد، مطابق حق بود و موافق یکدیگر و اما اتفاق ایشان در افعال چنان بود که اکتساب کمال همه بر یک وجه شناسند» (خواجه نصیرالدین طوسی، ناصری، ص ۲۸۰). از دیدگاه خواجه نصیر طوسی کمال انسانی در گرو تحقق اجتماع است اجتماعی که اعضاء در آن منافع و علایق مشترک داشته و برای وصول ایشان به کمال به یکدیگر وابسته‌اند (خواجه نصیر الدین طوسی، ص ۲۵۵). او معتقد است که در مدینه فاضله اندیشه‌ها و باورهای مردم منطبق بر حق است و به مبدأ و معاد ایمان دارند. خواجه نصیر مردم را از نظر نقش و وظیفه به پنج قسمت تقسیم نموده است: افاضل الحکما (سیاستمداران برجسته و ممتاز از هم‌نوعان خویش)، رهبران مردم عادی و مباشر بین افاضل الحکما و مردم، حافظان عدالت، مجاهدان (پاسداران حریم مدینه) و مالیان (فراهم آورندگان نیازهای مردم شهر) (خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۲۸۳-۲۸۲). رهبر جامعه آرمانی او حکیم دانا و توانا ( و در صورت فقدان چنین کسی اداره جمعی) است که چهار صفت حکمت، خردمندی و استعداد و شجاعت یا قوت جهاد دارد (خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۲۸۷-۲۸۶) در شهر او هیچ فضیلتی فراتر از عدالت نیست. تباه کنندگان شهر آرمانی او نوابت هستند که به پنج دسته تقسیم می‌گردند: مرانیان (افراد جاه طلب و عیاش)، باغیان (تجاوزگران و ظالمان)، مارقان (تحریف کنندگان قانون)، مغالطان (دروغ‌گویان راستگونما و نادانان)، (خوجه نصیرالدین طوسی، ۳۰۰- ۲۹۹).

با وجود آنکه در ادبیات، خاستگاه اندیشه آرمانی را به یونانی‌ها نسبت می‌دهند و اسطوره‌های آن را زمینه‌ساز شکوفایی مکتب آرمان‌گرایی می‌دانند، اما مهد تفکر آرمانی جهان تمدن سومر است. خط میخی آن‌ها به سراسر شرق نزدیک اشاعه یافت و در کنار آن یک اسطوره شناختی به زندگی معنوی اکادها، کنعانی‌ها، عبرانیان و یونانی‌ها رخنه نمود. از آنجا بود که به تدریج اندیشه‌های آرمانی در جهان گسترانیده شدند. در تمدن یونان، اسطوره‌های کهن، و بنیان‌های یهودی- مسیحی برانگیزاننده برخی از موضوعات عقلانی و احساسی بودند که به تدریج عمیق‌ترین لایه‌های اندیشه آرمانی را در خودآگاه- ناخودآگاه مردم این سرزمین پروردند و در مراحل بعدی این ناهوشیاری‌ها دوره به دوره و نسل به نسل به شکل‌های متفاوت پدیدار گشت. به طوری که بتدریج اشکال ایده آل زندگی و اجتماع شهری مورد توجه اندیشمندان فلسفی و سیاسی همچون افلاطون ارسطو گردید و با وجود اینکه برخی از توصیفات آن‌ها مبهم است، اما تأکید بر کیفیت زندگی فراتر از جامعه کنونی در جهان هلنستیک به روشنی قابل درک است. آرمانشهرهای فلسفی یونان از دوره هلنستیک تا کلاسیک در طراحی معماری شهر ایده آل تجسم بخشیده شده است. در تمدن ایران نیز همانند

از دیگر اندیشمندان آرمانی ایران می‌توان به محمد باقر مجلسی در کتاب بحارالانوار، شهر صالحان در تفسیر طبری، و شهر خدای سنایی در حدیقه الحقیقه اشاره نمود.

### بحث و نتیجه گیری

اندیشیدن بر بنیاد آرزو در امور انسانی همواره خودنمایی کرده و همزاد و همراه بشر بوده است. هرگاه تصور در واقعیت بیرونی موجود ارضاء نشود، به مکان‌ها و دوره‌هایی پناه می‌جوید که بر پایه آرزو بنا شده‌اند. اما نکته مهم در مورد اندیشه آرمانی این است که هر حالت ذهنی که با موقعیت آنی مستقیم ناسازگاری دارد و از حدود آن فراتر می‌رود (و در این معنا از واقعیت فاصله می‌گیرد) بعنوان وضع ذهنی اوتوپییایی تلقی نمی‌گردد. آرمانشهرها حالت ذهنی از شهری است که از حصار واقعیت قدم فراتر نهاده و متضمن عمیق‌ترین آرمان‌های ما برای شهری عادلانه و انسانی است و همواره نیل به سعادت را در ذهن خود می‌پروراند، پویایی جزء لاینفک آن‌هاست و همواره سودای گذار و تحول وضع موجود (سرگشتگی‌های عظیم زمانه) را در سر می‌پروراند و جستاری به سوی آینده‌ای بهترند و تمایل به درهم شکستن قیدهای نظام موجود در تاروپودشان موج می‌زند.



شکل شماره ۱: سیر تکامل اندیشه آرمانی و آرمانشهری

مبلغی آبادانی، عبدالله، (۱۳۷۳)، "تاریخ ادیان و مذاهب جهان از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام و مذاهب و فرق در اسلام"، قم، انتشارات منطق (سینا)، جلد اول.

مور، توماس، (۱۳۶۱)، "آرمانشهر"، ترجمه داریوش آشوری و نادرافشار نادری، تهران، خوارزمی.

Drews, Robert. (1973), "The Greek Accounts of Eastern History", Washington, D.C.: The Center for Hellenic Studies, 1973.

Due, Bodil. (1989), "The Cyropaedia: Xenophon's Aims and Methods", Aarhus: Aarhus University Press, 1989.

Enki and Ninursag: A Paradise Myth", trans. S. N. Kramer, in James B. Pritchard, ed., Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament 2d ed. (Princeton, Princeton University Press, 1955), p. 38.

Homer, "The Odyssey", p74, translated by Samuel Butler, 1897.

Kramer, N. Samuel, (1961), "Sumerian Mythology", rev. ed. (New York, Harper & Row, 1961), p. 107.

Martin L. West, the Hesiodic Catalogue of Women: Its Nature, Structure, and Origins (Oxford: Clarendon, 1985). See also the earlier translation, "The Catalogues of Women and the Eoiae," in Hesiod: The Homeric Hymns and Homeric (trans. H. G. Evelyn-White; rev. ed.; LCL; Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1936; repr., 1964), 154-219.

Mitchell, Christine K, (2002), "The Ideal Ruler as Intertext in 1-2 Chronicles and the Cyropaedia." Ph.D. diss., Carleton University.

M. L. Berneri, (1950), "Journey through Utopia" London, Routledge / Kegan Paul.

Manuel, Fritz, P. Fritz, P. Manuel (1979), "Utopian thought in the Western world", The Beknap Press of Harvard University, Cambridge Massachusetts.

Reichel, Michael. (1995), "Xenophon's Cyropaedia and the Hellenistic Novel." Groningen Colloquia on the Novel 6 (1995): 1-20.

Sargent, Lyman Tower. (1994), "Three Faces of Utopianism Revisited." Utopian Studies 5.1, 1 - 37.

"The Epic of Gilgamesh," trans. Speiser, E. A., in James B. Pritchard, ed., Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament 2d ed. (Princeton, Princeton University Press, 1955), pp. 95, 89.

Walsh, Chad. (1962), "From Utopia to Nightmare", London: Geoffrey Bles, p 40.

Winston, David. "Iambulus' Islands of the Sun and Hellenistic Literary Utopias." Science Fiction Studies 3 (1976): 219-27.

یونان بنیان‌های اسطوره‌ای و زرتشتی-اسلامی تفکرات آرمانی، همگی گنجینه‌ای از ادراکات و انتظارات را شکل داده که عمیقاً در خودآگاه - ناخودآگاه اندیشمندان و فرزندان این سرزمین ریشه دورانیده و در دوره‌های مختلف به شکل‌های گوناگون تجسم بخشیده شده است. در شکل زیر سیر تکامل اندیشه آرمانی و آرمانشهری آورده شده است.

در مقام مقایسه، اندیشه‌های آرمانی ایران زمین نسبت به یونان از سابقه‌ای بیشتر برخوردار بوده است. نمونه جامعه آرمانی زونون (او جامعه ایران به پادشاهی کورش کبیر را آرمانشهر واقعی و بهترین الگو می‌داند) و همچنین گنگ دژ و «ور» جمکرد برهان‌هایی برای تأیید این ادعا هستند.

### منابع و مأخذ

اذکایی، پرویز، (۱۳۶۴)، "دادشهر ابن سینا"، نشریه چیستا، شماره ۲۳.

ارسطو، (۱۳۷۷)، "سیاست"، ترجمه دکتر حمید عنایت، تهران، انتشارات نیل.

افلاطون، (۱۳۴۸)، "جمهور"، ترجمه فواد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

افلاطون، (۱۳۸۰)، "قوانین"، جلد چهارم، ترجمه محمد حسن لطفی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران. "اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی"، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، انتشارات مروارید، ۱۳۷۱.

باقری، مه‌ری، (۱۳۷۶)، "دین‌های ایرانی پیش از اسلام" تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول، صص ۵۷-۵۴. روایت پهلوی، ترجمه مهشید میر فخرایی، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۶۴-۶۵.

ریکور، پل، (۱۳۸۱)، "ایدئولوژی و اتوپیا"، مترجم احمد بستانی، فصلنامه مفید شماره ۳۲.

خواجه نصیرالدین طوسی، "اخلاق ناصری"، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۶، تهران.

گمپرتس، (۱۳۷۵)، "متفکران یونانی"، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی.

مانهایم، کارل، (۲۵۳۵ شاهنشاهی)، "ایدئولوژی و اتوپیا- مقدمه ای از جامعه‌شناسی دانش"، ترجمه فرییز مجیدی، انتشارات دانشگاه تهران.

## یادداشت‌ها

- 40 *Golden Ages, Ideal States, and Distant Lands*
- 41 *The Golden Age of Hesiod*
- 42 *Old Comedy*
- 43 *The Golden Age of Hesiod*
- 44 *Works and Days*
- 45 *The gods keep hidden from men the means of life*
- 46 *Zeus*
- 47 *Prometheus*
- 48 *demigods*
- 49 *Ends of the earth*
- 50 *Islands of the blessed*
- 51 *Old Comedy*
- 52 *Aristophanes*
- 53 *Homer, Herodotus, Theopompus, Hecataeus of Abdera, and Heliodorus*
- 54 *The Ideal King in Xenophon's Cyropaedia*
- 55 *Cyrus the Great*
- 56 *Elysium*
- 57 *Minoan religion*
- 58 *Elysian plain*
- 59 *Fairhaired Rhadamanthus*
- 60 *The Island of the Sun in Iambulus*
- ۶۱ برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:  
 "Diodorus Siculus", Books 1112.37.1 *Greek History, 480431 BC the Alternative Version, Translated by peter green, 2006.*  
 "Diodorus Siculus, The Persian Wars to the fall of Athens" Books 1114.34 (480401 BCE).  
 Translated by peter green, 2006
- 62 *The Fantastic Voyage of Lucian*
- 63 *Verae Historiae*
- 64 *Ends of the earth*
- 65 *Dystopian*
- 66 *The Virtuous City*
- ۶۷ آرتور کریستن سن، ملاحظاتی دربارهٔ قدیمی ترین عهد آئین زرتشتی، ترجمه دکتر ذبیح الله صفا، مجله دانشکده ادبیات، سال دوم، شماره ۳، فروردین ۱۳۳۴.
- ۶۸ مراجعه شود به یشتا، دینکرد، وندیداد در اوستا
- ۶۹ راستی و حقیقت و نیکی
- ۷۰ سوره اعراف، آیه ۲۹.
- ۷۱ سوره یونس، آیه ۴.
- ۷۲ سوره زلزال، آیات ۶ تا ۸.
- ۷۳ سوره توبه، آیه ۷۲.
- ۷۴ نظامی گنجوی، "اسکندر نامه"، تصحیح ایرج افشار، تهران ۱۳۴۳، صص ۳۲۴۲.
- ۱ برای نمونه فارابی، خواجه نصیر الدین طوسی، نظامی گنجوی، سعدی، مولانا جلال الدین بلخی، فردوسی، طبری، مجلسی و ....
- ۲ برای نمونه به منابع زیر مراجعه شود: Rothstein, Edward, et al, (2003), "Vision of Utopia", Published by Oxford University Press, Inc.
- 3 Xenophon
- 4 Erasmus
- 5 Lyman Tower Sargen
- 6 Utopia
- 7 Eutopia
- 8 Dystopia
- 9 Nonexisten
- 10 Anatole France
- 11 M. L. Berneri, (1950), "Journey through Utopia" London, Routledge / Kegan Paul.
- 12 Utopianism
- 13 Ebla
- 14 NonSemitic, nonIndoEuropean
- 15 Akkadians, the Canaanites, the Hebrews, and the Greeks
- 16 Paradisaical
- 17 Enmerkar
- 18 Erech
- 19 Sumer
- 20 Harmonytongued
- 21 Decrees of princeship
- 22 Uri
- 23 Martu
- 24 Enlil
- 25 S. H. Langdon
- 26 Dilmun
- 27 Enki
- 28 Ittidu bird
- 29 Sickeyed
- 30 Akkadian Epic of Gilgamesh
- 31 Scorpionpeople
- 32 Siduri
- 33 Eden the garden of God
- 34 Midrashic
- 35 JudeoChristian and the Hellenic
- 36 Paradises
- 37 Eden and the World to Come
- 38 Days of the Messiah
- 39 Millennium